




استنباط حکم اخلاقی

از متون دینی و ادله لفظی

بررسی چند چالش مهم در اصول لفظی فقه الاخلاق

دکتر اول

محمد عالمزاده نوری



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir



## استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی

بررسی چند چالش مهم در اصول لفظی فقه الاخلاق

محمد عالم زاده نوری

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم
- تهیه: پژوهشکده اخلاق و معنویت
- تدوین: پروین استار: محمداقبر انصاری
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰
- شماره تیراژ: ۱۰۰
- قیمت: ۳۰۰۰ تومان
- عنوان: ۴۱۸؛ فصل ۸۲

هیبة حقوق برای ناشر محفوظ است  
 نشانی: قم، خیابان معلم، پوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تاسیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
 تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۱۳۳۳-۳۷۸۱۳۳۳، فکس: ۰۲۵-۳۷۸۱۳۳۳-۳۷۸۱۳۳۳، گنبدیسی: ۳۷۸۱۳۳۳-۳۷۸۱۳۳۳  
 مراکز پخش: ۱- قم، میدان شهدا، عصر دورنگار ۰۲۵-۳۷۸۱۳۳۳-۳۷۸۱۳۳۳  
 ۲- تهران، خیابان انقلاب، روزی روزگاری ۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۲-۶۶۹۵۱۵۲

وبگاه: [www.pub.isca.ac.ir](http://www.pub.isca.ac.ir)؛ راینامه: [hr@pub.isca.ac.ir](mailto:hr@pub.isca.ac.ir)  
 فروشگاه مجازی نشر: [www.shop.isca.ac.ir](http://www.shop.isca.ac.ir)؛ فروشگاه اینترنتی: [www.pajoohaan.ir](http://www.pajoohaan.ir)

سرشناسه:	عالم زاده نوری، محمد، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور:	استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی: بررسی چند چالش مهم در اصول لفظی فقه الاخلاق / محمد عالم زاده نوری؛ تهیه پژوهشکده اخلاق و معنویت قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم، معاونت بررسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶
مشخصات نشر:	۲۷۲ ص ۳۰۰۰۰۰ ریال
مشخصات ظاهری:	۹۷۸۰۳۰۰۱۹۵۳۴۳۹
شابک:	
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه: ص [۳۸۵] - ۴۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نمایه
موضوع:	اخلاق اسلامی
موضوع:	فقه - جنبه های اخلاقی
موضوع:	اخلاق اسلامی - جنبه های قرآنی
موضوع:	فقه جعفری - قرن ۱۴
شناسه افزوده:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده اخلاق و معنویت
رده بندی کنگره:	۱۳۹۶ الف۵/ع۲/۸۱/۲۴۷/۸۱ BP
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی:	۴۸۸۱۵۲۳



# فهرست

سخنی با خواننده ..... ۱۳

## مقدمه

علم دینی، آرنونه کید ..... ۱۷

۱. عقلانیت ..... ۱۸

۲. کارآمدی ..... ۱۹

۳. حجیت ..... ۲۰

علم اخلاق ..... ۲۱

این اثر ..... ۲۴

## فصل اول: کلیات

مفاهیم ..... ۳۲

۱. فقه ..... ۳۳

۲. اخلاق ..... ۳۵

۳. فقه‌الاخلاق ..... ۳۸

۴. اصول لفظی ..... ۴۴

نسبت فقه و اخلاق ..... ۴۵

چالش‌ها ..... ۶۴

### فصل دوم: ماهیت تشکیکی مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی

۷۳	مفاهیم مشکک
۷۶	منطق فازی: منطق مفاهیم مشکک
۸۱	تشکیک در مفاهیم اخلاقی
۸۴	اعت فازی در گزاره اخلاقی
۸۵	حال مسئله
۸۸	نمونه‌ها
۹۶	کشف مراد
۹۸	مناسبات عرفی موضوعات احکام اخلاقی

### فصل سوم: تعریف مفاهیم اخلاقی در آیات و روایات

۱۰۵	انواع تعریف
۱۰۹	شرایط تعریف
۱۱۰	چالش‌های تعریف مفاهیم اخلاقی در متون دینی
۱۱۴	تعریف در منابع دین
۱۱۸	نمونه اول: «اولئک هم...»
۱۲۰	چالش
۱۲۴	راه حل‌های احتمالی
۱۲۷	وجه بلاغی
۱۳۴	نمونه دوم: «المسلم من...»
۱۳۷	نمونه سوم: «لیس ب...»
۱۵۰	نمونه چهارم: علامت‌ها

۱۵۸	نمونه پنجم: موصول و صلّه
۱۶۴	تعاریف در قرآن و روایات
۱۶۴	۱. عدم جامعیت
۱۶۵	۲. عدم مانعیت
۱۶۹	۳. تعدد و تقایر

### فصل چهارم: مفاد ساختار تفضیل

۱۷۵	مدلول ماهری ساختار تفضیل
۱۷۶	تفضیل‌های قرسی
۱۸۰	۱. خیر
۱۸۵	۲. أخسر
۱۸۶	۳. أظلم
۱۸۹	تفضیل‌های روایی
۱۸۹	۱. برترین عمل
۱۹۶	۲. بهترین کس
۲۰۲	راه حل
۲۰۳	۱. مناقشه سندی
۲۰۴	۲. نسخ دلیل متقدم
۲۰۵	۳. تجرید از معنای تفضیل
۲۰۷	۴. کشف جامع معنایی
۲۱۱	۵. تکرر موضوع و ادعای تساوی
۲۱۲	۶. تکرر موضوع بدون ادعای تساوی
۲۱۴	۷. مبالغه و مجاز (شدت اتصاف به مبدأ)

- ۲۲۰..... محدودگرفتن دایرة تفاضل (نفی تفضیل مطلق و نسبیّت تفضیل)
- ۲۲۱..... الف) تقييد در ناحیه مفضلّ عليه
- ۲۲۴..... ب) تقييد در ناحیه موضوع تفضیل (مفضلّ)
- ۲۲۶..... ج) تقييد در نفس تفضیل (محمول)
- ۲۳۰..... نتیجه
- ۲۳۴..... خاتمه

### فصل پنجم: ثواب و عقاب‌های شگفت‌انگیز

- ۲۵۱..... انواع گونه‌ها
- ۲۵۶..... مقیاس عمل
- ۲۵۸..... ثواب و عقاب در قرآن
- ۲۵۸..... الف. معادله آدم‌کشی و نسا‌کشی
- ۲۵۹..... ۱. تساوی مشروط به قضاها
- ۲۶۰..... ۲. تساوی در سنگ عذاب و در اصل عذاب و اختلاف در مقدار آن
- ۲۶۱..... ۳. تساوی در هتک حرمت مقام اتالیق
- ۲۶۳..... ۴. تساوی در قصاص و کيفر دنیوی
- ۲۶۴..... ۵. تساوی در سلب ایمنی از مردم
- ۲۶۴..... ۶. مبالغه در کيفر آدم‌کشی
- ۲۶۵..... جمع‌بندی و نتیجه
- ۲۶۶..... ب. عذاب خودشیفتگی
- ۲۶۶..... ۱. اختصاص آیه به کفار
- ۲۶۸..... ۲. تعمیم آیه به تقض میثاق
- ۲۶۸..... ۳. تعمیم مطلق
- ۲۶۹..... ج. کيفر بلندکردن صدا در محضر پیامبر

۲۷۰	۱. مشروط دانستن عمل به لوازم کفر
۲۷۱	۲. سببیت عمل برای کفر
۲۷۱	۳. تصرف در معنای عمل
۲۷۲	۴. تصرف در معنای حبط: خفت میزان و کسر و انکسار اعمال
۲۷۳	۵. پذیرش حبط کلی
۲۷۳	خلاصه بررسی
۲۷۴	ثواب و عقاب در روایات
۲۷۴	۱. ضعف سندی و عدم اعتماد به صدور
۲۷۶	۲. اختصاص به فریضه خاص
۲۷۸	۳. توفیق نیافتن ناله مرگ
۲۸۰	۴. ناتوانی تجهیزات اجرایی از تصور پاداش اخروی
۲۸۵	۵. مجازگویی و مبالغه به اهدای ثواب
۲۸۷	۶. تفکیک پاداش حقیقی و اعتباری
۲۹۱	۷. تشابه اجمالی اعمال، نه تشابه کامل
۲۹۳	۸. پاداش تفضلی بعد از محاسبه پاداش اصلی
۳۰۲	۹. بیان اقتضای ثواب بدون اشاره به شروط و قیود
۳۱۷	راه حل اختلاف ثوابها
۳۱۸	خلاصه بررسی
۳۱۹	وجه بلاغی
۳۲۲	ارزش عمل
۳۲۹	معیار ارزش عمل جزئی
۳۳۰	۱. حسن فعلی و صلاحیت ذاتی
۳۳۴	۲. ایمان

۳۳۷	.....	۳. نیت الهی
۳۳۸	.....	۴. علم و معرفت
۳۴۳	.....	۵. مقدار عمل
۳۴۴	.....	۶. دشواری عمل، توان و تلاش
۳۴۶	.....	۷. منظومه و بافت مناسب
۳۵۰	.....	۸. استمرار
۳۵۰	.....	۹. اهمیت نسبی و موقعیتی
۳۵۵	.....	۱۰. گستره تأثیر و بهره‌مندی مردم
۳۵۸	.....	۱۱. زمان مکان

فصل نهم: مفاد اعداد و خصال

۳۶۳	.....	بررسی مسئله
۳۶۹	.....	پاسخ‌ها و احتمالات
۳۶۹	.....	۱. اختلاف نسخه
۳۷۰	.....	۲. اختلاف شرایط
۳۷۱	.....	۳. بیان مصادیق مهم‌تر و مورد نیاز
۳۷۳	.....	۴. بیان مصادیق پنهان
۳۷۴	.....	۵. نمادی برای بیان ویژگی‌های اصلی
۳۷۶	.....	۶. ایراد کلام در مقام خطابه و اثرگذاری، نه در مقام بیان علمی
۳۷۹	.....	۷. پیدایش علم جدید برای معصوم
۳۷۹	.....	نمونه‌های خاص
۳۸۲	.....	جمع‌بندی
۳۸۲	.....	خاتمه



کتابنامه ..... ۳۸۵

نمایه‌ها

آیات ..... ۴۱۳

روایات ..... ۴۲۸

نمایه‌های موضوعی ..... ۴۵۵

اعلام و مشاهیر ..... ۴۶۸

کتاب‌ها ..... ۴۷۰

اماکن ..... ۴۷۱

www.ketab.ir

## سخنی با خواننده

مکتب اسلام و منابع اصلی آن، قرآن و سنت، به ارزش‌های انسانی و تعالی انسان استثنای ویژه داشته و برای آدمی خوب و بدها و باید و نبایدهایی معلوم کرده و او را به سلو معنوی رهنمون ساخته‌اند. در آیات و روایات بیانات متعدد و متنوعی برای ارائه هنجارهای اخلاقی وجود دارد. عالمان دین نیز موظف‌اند با مطالعه روش‌مند این بیانات به تفسیر دقیق و اندیشمندانه آنها دست یابند و نظام جامع ارزش‌های انسانی را کشف و ارائه کنند.

پژوهشکده اخلاق و معنویت که از ابتدا نگاه روشمند و رویکرد دانشی به اخلاق و تربیت را رسالت خود می‌داند، عرصه تراخی به نام «الهیات اخلاق اسلامی» را برای سال‌های آینده، وجهه همت خود ساخته است که کلان‌طرح «روش‌شناسی در الهیات اخلاق» یکی از خوشه‌های مهم مطالعاتی این عرصه را تشکیل می‌دهد.

اصلی‌ترین پرسش این کلان‌پروژه عبارت است از اینکه: پرسش معتبر استنباط آموزه اخلاقی از منابع معرفتی دینی که حجیت قطعی آموزه‌های استنباط‌شده را تضمین کند، کدام است؟» بدین منظور لازم است اولاً و از باب مقدمه به قلمروشناسی فقه و اخلاق پرداخته شود و پرسش‌هایی از این دست در دستور کار پژوهش قرار گیرد:

۱. تعریف دانش فقه و دانش اخلاق چیست؟ ضابطه و ملاک تمایز علم

اخلاق از فقه کدام است؟ چگونه می‌توان قلمرو دقیق آن دو را ترسیم کرد؟ یک گزاره دستوری و حیانی، با چه معیاری اخلاقی یا فقهی تلقی می‌شود؟ تعامل دوجانبه این دو دانش و تأثیرات متقابل آنها در روش‌شناسی، اهداف و مبادی و مبانی چگونه است؟

۲. آیا فهم دقیق مفاد آیات و روایات اخلاقی نیازمند اصول استنباط خاصی است؟ در این صورت آیا همه این اصول جدا از اصول فقه رایج است یا نسبت عام و خاص من وجه دارند؟ در صورت دوم مباحث مشترک این دو حوزه کدام است؟ (بجای انظار صحت، اصول عملیه، تعادل و تراجم و ملازمات عقلیه)؟ پس از آن با چه جایگاه هر یک از منابع معرفت (عقل، وحی، شهود و تجربه) در تولید گزاره اخلاقی و توجیه آن بررسی شود:

۳. در میراث اخلاق کدام یک از روش‌های نقلی، عقلی و شهودی دقیق‌تر و با خطای کمتر به کار گرفته شده است؟ کدام روش با آسیب بیشتر همراه بوده است؟ این دقت و آسیب از چه ناحیه‌ای، در چه حوزه‌ای و به چه علت پیش آمده است؟

۴. ضوابط کاربرست روش تجربی چیست؟ دستاوردهای تجربی با چه شرایطی در اخلاق به کار می‌آید؟ مثلاً اگر شواهد سرانجام تجربی علیه یکی از هنجارهای رایج مستند به دین اقامه شد، آیا می‌توان در جایگاه ارزشی آن هنجار بازنگری کرد؟

۵. روش عقلی در اخلاق پژوهی از چه کارکردهایی برخوردار است؟ شرایط کاربرست و حوزه‌های اختصاصی و غیراختصاصی کارآمدی عقل در اخلاق پژوهی کدام است؟

۶. ویژگی‌ها و شاخص‌های روش معتبر فهم باطنی آیات الاخلاق و روایات اخلاقی چیست؟ معنای «شهود» و «کشف» و ضوابط تفسیر آن در عرفان

اسلامی با معنا و ضوابط تفسیر آن نزد فیلسوفان اخلاق شهودگرا چه تمایزها و چه همانندی‌هایی دارد؟

۷. مختصات، مقتضیات و لوازم روش‌شناختی یا شاخص‌های روش‌شناختی اخلاق‌پژوهی هر یک از رویکردهای «مقاصدنگر» و «رایج» در اخلاق‌پژوهی چیست؟

مرکز اخلاق و تربیت به منظور «قاعده‌مندسازی استنباط آموزه‌های اخلاقی از منابع دین» کلان‌طرح الهیات اخلاق را در دستور کار دارد. این نوشتار ششمین اثر منتشر در این طرح به شمار می‌رود. آثار قبلی به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. اخلاق اسلامی و کاربست قاعده‌تسامح در ادله سنن نوشته حجت‌الاسلام المسلمین محمدتقی اسلامی.

۲. فقه و اخلاق اسلامی: مقایسه‌ای علم‌شناختی اثر حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی احمدپور.

۳. مناسبات اخلاق و فقه در گفتگای انجمن‌شوران به کوشش حجت‌الاسلام والمسلمین محمد هدایتی.

۴. استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل: مفهوم اثر حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عالم‌زاده نوری نویسنده همین اثر.

۵. درآمدی بر سبک‌بندی اثر حجت‌الاسلام والمسلمین کلانم‌دیری. بی‌تردید کشف مقصود متکلم از کلام و دریافت معنای آن تابع توانین و قواعدی است که عالمان حوزوی علاوه بر ادبیات عربی و منطق، در دانش اصول فقه به‌خصوص در مباحث الفاظ بدان پرداخته‌اند. در دنیای غرب نیز دانش هرمنوتیک به تفسیر متن اهتمام نشان داده و تلاش کرده است تا کشف معنای متن را قاعده‌مند سازد.

این کتاب در صدد بیان برخی چالش‌های استفاده از متون دینی در کشف

گزاره اخلاقی است و توجه مخاطب را به دشواری استنباط احکام اخلاقی و لزوم روشمندی آن جلب می‌کند؛ بنابراین این اثر در پی روش‌شناسی «فقه‌الاخلاق» است و مخاطب را با زاویه‌ای از تفقه اخلاقی، یعنی دریافت اجتهادی گزاره اخلاقی از منابع منصوص دینی (قرآن و سخن معصومان علیهم‌السلام) آشنا می‌سازد؛ البته در این مقصد تنها برخی چالش‌ها را بررسی کرده و برخی را به دفتر دوم واگذارده است.

ناگفته پیداست این اثر قدم‌های اولیه را در این مسیر برداشته و تنها پرونده بحث را گسوه است تا زمینه‌ای برای گام‌های آینده اهل تحقیق فراهم آورد؛ گام‌هایی که به لطف و عنایت خدا استوارتر و بلندتر برداشته خواهد شد.

در پایان، لازم است افزون بر مؤلف محقق و ارجمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین عالم‌زاد سروری، در همه کسانی که به نوعی در به‌سرانجام‌رسیدن آن نقش داشتند، به‌ویژه دانش‌پژوه ارجمند حاج شیخ الاسلام والمسلمین رضا اسلامی، دکتر سیدحسین اسلامی، دکتر محمدشجاعلی‌خانی که نظارت و ارزیابی آن را بر عهده داشتند، تشکر کنم. نیز از نشر پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی فنی و فرایندی این اثر بوده سپاس‌گزاری می‌کنم. امید است این تلاش قدمی مؤثر در مسیر تبیین روش‌شناسی اخلاق اسلامی به شمار آید و با توجهات امام عصر علیه‌السلام به بار نشیند. بمنت و کرمه.

مهدی علیزاده

مدیر پژوهشکده اخلاق و معنویت

## مقدمه

علم دینی، آن گونه که باید

یکی از مهم‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه پدید آوردن علوم دینی است. تحقق صورت آرمانی و وسعت مسلوب «دانش دینی» متوقف بر سه ویژگی مهم است: ۱. استناد یا حجیت؛ ۲. عقلانیت؛ ۳. کارآمدی.

«استناد» به معنای انتساب به منابع اولیه دین و استظهار به مبانی و ارزش‌های بنیادین اسلامی است و پس‌رشد اسلامی، دانش را تأمین می‌کند. کم‌ترین مرتبه این استناد عدم مخالفت گزاره علمی با آموزه‌های منابع دینی است. «عقلانیت» ناظر به منطقی‌بودن، سازواری، استدلال‌یون و هماهنگی‌های درونی و بیرونی علم و معقولیت بین‌ذهانی، قابلیت تفاسم، جامع‌نظمی، اقتناع و تبیین عقلانی است. «کارآمدی» نیز ناظر به قدرت پاسخگویی علم به مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی است که البته بر اساس شرایط تاریخی و جغرافیایی، این نیازها و انتظارات، قبض و بسط و فراز و فرود می‌یابد. بر این پایه ساخت منطقی و هندسه «علم دینی چونان که باید» در قالب یک مثلث نمودار می‌شود که هر یک از نهادهای سه‌گانه دین، علم و حکومت یعنی نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگ‌ساز به ترتیب فقدان یا خلل در هر یک از

رئوس سه گانه آن یعنی حجیت، عقلانیت و کارآمدی را بر نمی‌تابند. تأمین این سه ویژگی، علم دینی را به جایگاه واقعی خود، چونان که باید، ارتقا می‌دهد و به دغدغه‌های عالمان دینی، جامعه دینی و حکومت دینی پاسخ می‌گوید.

به بیان دیگر آنچه به عنوان علم پذیرفته شده است، از یک سو ماهیتی جمعی دارد که می‌تواند مورد تفاهم قرار گیرد و مورد نقض و ابرام واقع شود و از سوی دیگر به معنای دقیق جامعه‌شناختی نهادی اجتماعی است که باید انتظارات از آن را برآورده سازد و به پرسش‌هایی که متوجه آن است، پاسخ گوید؛ از این رو علم به صورت عام باید از دو شاخص عقلانیت و کارآمدی برخوردار باشد. علم دینی علاوه بر این دو ویژگی، باید شاخص حجیت و استناد را نیز داشته باشد.

### ۱. عقلانیت

علم و تولیدات علمی در گام نخست باید قابلیت انتقال و تفاهم داشته باشد؛ به این معنا که معقول، فهم‌پذیر و قابل ارائه به صاحبان عقول و اندیشه باشد، از انسجام و هماهنگی درونی برخوردار باشد، به نتایج و درهم‌ریختگی منطقی دچار نباشد و بتواند در معرض نظر دیگر اندیشمندان قرار گیرد.

این امر را که علم، تبادل‌پذیری جمعی و امکان درک و تفاهم بشری داشته باشد و شخصی یا غیر قابل انتقال نباشد، به عقلانیت تعبیر کرده‌اند. این قابلیت باید در تمامی اجزا و لایه‌های آن ساری باشد. علم تنها با وجود این شاخص می‌تواند به اشتراک گذاشته و انتشار داده شود. عقلانیت به معنای امکان تفاهم میان نخبگان یک رشته یا جامعه علمی است؛ بنابراین مفهوم کلی عقلانیت مورد

۱. این تعبیر شامل عقلانیت معطوف به نص نیز می‌شود. در علوم نقلی اگر استناد به متن علی‌المبنا قاعده‌مند و قابل تفاهم باشد، عقلانیت تأمین شده است.

نظر نیست، بلکه عقلانیت علمی اراده شده است؛ برای مثال کسی نمی‌تواند ادعا کند به یک نظریه جدید در مورد امامت دست یافته یا قاعده‌ای فقهی ابداع کرده است؛ سپس بدون آنکه رأی خود را به متکلمان یا فقهای شیعه ارائه و از صافی ذهن و نظر ایشان عبور دهد، انتظار داشته باشد حاصل اندیشه‌اش جذب بدنه دانش شود و در کتاب‌ها و کرسی‌های تدریس راه یابد.

از طرف دیگر عناصر علمی باید شأنیت اقناع‌گری و توجیه‌پذیری داشته باشند نه از مجموع این دو ویژگی، شاخص مقبولیت بین‌ذهانی به دست می‌آید. منابع علوم نیز به‌طور طبیعی باید از مقبولیت و معقولیت میان کارشناسان بلام برآوردار باشند. بر این مبنای اثبات یا رد معارف مربوط به معاد به استناد تجربی و کشف فردی، فاقد شاخص عقلانیت در عرف عالمان دین است؛ همچنان‌که استناد به منبع وحی و کتاب آسمانی برای حل مسائل شیمی محض از معقولیت بیرون است. عالمان این رشته به دور است؛ زیرا این منابع به جهت سنگین نداشتن میان‌رشته‌ای با یک سو و داده‌ها و اطلاعات از دیگر سو، شأنیت اقناع و توجیه عقیدتی ندارند.

## ۲. کارآمدی

کارآمدی یعنی مطالب علمی جایی به کار آید و گره‌های مشکلات جامعه بگشاید و صرفاً محصول اندیشه پشت درهای بسته کتابخانه یا کلاس‌های انتزاعی نباشد. از علوم، انتظار گره‌گشایی و پاسخگویی به مشکلات می‌رود؛ بنابراین توانایی دانش در ایفای کارویژه و مأموریت خود، یکی دیگر از شاخص‌های دانش مطلوب است. بر این مبنای هر گاه یک علم نتواند پاسخ‌های درخوری برای پرسش‌های مربوط تولید کند و از ارائه راه حل برای مسائل واقعی عاجز باشد، هویت خود را از دست می‌دهد و از جرگه



علوم خارج می‌شود؛ همان‌گونه که علم کیمیا سده‌های متمادی کاوشگران را در دستیابی به اکسیر اعظم به خود مشغول کرد؛ ولی چون نتوانست به نتیجه مورد انتظار برسد، از دایرة علوم خارج شد و علم شیمی با اهدافی واقع‌بینانه‌تر جایگزین آن گردید. کارآمدی منابع به ویژه در علوم دینی در گرو صحت و اتقان مطالب، فرازمانی بودن و جامعیت آن است.

### ۱. حجیت

ممکن است وصف کارآمدی و عقلانیت (روشمندی، تفاهم‌پذیری و قابلیت انتقال در حکم دانش تأمین باشد؛ ولی آموزه‌های آن با آموزه‌های دینی سازگار باشد. بدین جهت لازم است به ویژگی‌های علم دینی مطلوب، وصف حجیت را نیز بیفزاییم. حجیت به معنای انتساب به منابع و ابتنا بر مبانی اسلامی است و کمترین استغناء عام مخالفت با آموزه‌های دینی است. منابعی که گزاره‌ها و قواعد علمی‌ینی از آنها استخراج می‌شود باید مورد تأیید شارع بوده باشد؛ از این رو اگر چیزی را شارع به عنوان منبع معرفی نکرد و به رسمیت نشناخت، عالمان نمی‌توانند از آن در پی‌ریزی و تکمیل بنای یک دانش دینی استفاده کنند؛ البته واضح است که تأیید شارع نسبت به منابع، تابع میزان واقع‌نمایی، دقت و صحت آن است. قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام مهم‌ترین منابع علم دینی هستند که آموزه‌های علمی‌ینی یا باید مستقیم و البته ضابطه‌مند بدان مستند باشند یا دست‌کم با مفاد آن مخالفتی نداشته باشند.

\*\*\*

می‌توان بیشتر کاستی‌های علوم اسلامی موجود را در همین سه محور تبیین کرد. فقدان هر یک از این ویژگی‌ها آسیب بزرگی در دانش‌های اسلامی پدید می‌آورد؛ مثلاً کسانی نظام اخلاق ارسطویی را به عدم حجیت، پاره‌ای از

مباحث اصول فقه را به بی‌فایده‌گی و ناکارآمدی، و علم عرفان عملی را به عدم علمیت متهم ساخته‌اند. ضروری است دانشمندان این علوم در دفاع از استحکام دانش مورد نظر خود این سه شاخصه را به صورتی روشن بنمایانند.<sup>۱</sup> اکنون و با این مقدمه به بررسی وضعیت علم اخلاق می‌پردازیم.

### علم اخلاق

حوزه‌های علمی علمیه در طول سالیان دراز در زمینه کشف احکام الهی از منابع دینی کوشیده‌اند و به بررسی ادله آن پرداخته‌اند. حاصل این تلاش پیدایش موسوعه‌های گرانقدر فقهی مانند جواهر الکلام است که امروزه به عنوان دستاوردی عظیم در حرام و حلال می‌باشد. به موازات این تلاش عظیم، از منظری برتر به این عملیات فقهی نظر شد و نگاه‌های روش‌شناسانه‌ای نیز پدید آمده است. بدین ترتیب تخصص بهره‌بردارانی از روش دینی و کارشناسی بررسی صدور و دلالت ادله و نسبت‌های میان آنها براساس روش‌شناسان علوم اسلامی پدید آمده است. همچنین دانشمندان حوزوی با واکاوی منابع دینی احکام عملی مکلفان را استخراج و به صورت رساله توضیح المسائل در اختیار آنان قرار داده‌اند تا در مقام عمل، حلال و حرام خدا معلوم باشد و مکلفان گرفتار سرگردانی نشوند.

اما علاوه بر احکام فقهی و برنامه حلال و حرام، گذشته‌گرانباری از معارف اخلاقی و اعتقادی نیز در منابع دینی وجود دارد که به مراتب احکام شرعی باید در معرض بررسی‌های کارشناسانه و عالمانه قرار گیرد. گویا به جهت محوریت اندیشه فقهی در حوزه‌های علمی، این تلاش - آن‌گونه که

۱. این بخش از منبع زیر اقتباس شده است: مهدی علی‌زاده؛ منابع و متون اخلاق اسلامی (متن درسی دوره کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق)؛ دانشگاه بین‌المللی مجازی المصطفی (ع)، نسخه دیجیتال، ۱۳۸۵ش.

باید - به ساحت اخلاق و عقاید جاری نشده و بهره‌برداری‌های غیر فقهی از آیات و روایات، به صورت رسمی و با دقت بالا صورت نگرفته است.

برای اثبات خوبی و بدی یک رفتار یا صفت اخلاقی می‌توان به دلیل عقلی پناه آورد. در اخلاق فلسفی به این روش عمل شده است. نیز می‌توان از شهود و اشراق قلبی کمک گرفت. در عرفان عملی به این روش عمل شده است. در کنار این دو روش می‌توان به روش اجتهادی از ادله نقلی بهره گرفت. استناد به سخن معصومان علیهم‌السلام و اثبات بایستگی یا نایستگی یک عمل یا صفت، با ادله نقلی در آثار اسلامی بسیار رایج و معهود است.<sup>۱</sup>

حوزه‌های علمی که کانون تولید علوم دینی و مرکز پژوهش در معارف اسلامی است، به بزرگت امکان به قرآن کریم - به مثابه حلقه پایانی وحی - و میراث عظیم روایی، دسترس به برانستگی برای پژوهش در اخلاق و تربیت اسلامی دارد؛ اما عدم اقبال کتب تفسیر، دانش اخلاق و برخورد تفننی و درحاشیه با آن موجب شده است که در میان قشرهای قابل توجهی از حوزویان واژه «اخلاق» هرگز به یک دانش رسمی با ساختار منسجم انصراف نیابد و حداکثر مشتمل بر مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، دستورعمل‌ها و توصیه‌ها باشد. «درس اخلاق» در حوزه، بیش از آنکه به مراد علمی و پایه‌های نظری اخلاق ناظر باشد، در صدد تأمین بهره‌های عملی و تربیتی آن است و به معنای دقیق کلمه، منبر موعظه و ذکر به شمار می‌رود که الهام‌کارکردهای ضروری ویژه خود را دارد؛ ولی به معنای دایر بودن کرسی تدریس این علم در حوزه نیست.

۱. این روش‌های مختلف در اثبات یا توجیه گزاره اخلاقی به پیدایش مکاتب اخلاقی متنوعی منتهی شده است. برای اطلاع بیشتر از مکاتب اخلاق اسلامی و وجوه تمایز آنها، رک: جمعی از نویسندگان؛ کتابشاخت اخلاق اسلامی؛ ص ۲۷-۶۰.

از آنجا که پژوهش‌های اخلاقی از منابع نقلی به جریانی بالنده و مستمر تبدیل نشده‌اند، موفقیت این شاخه علمی از جهت بررسی‌های سندشناختی و نیز فقه‌الدلالة چندان مناسب نیست. از مهم‌ترین نقاط ضعف علم اخلاق، انحراف از موازین متقن علمی در تأمین حجیت و استناد است؛ در اغلب منابع اخلاقی، انبوهی از روایات مرسل یا ضعیف دیده می‌شود که مخاطب خاص را بلا تکلیف می‌گذارد؛ همچنین همت مؤلفان بیشتر نقل روایات و تکثیر آن برای تبیین بی‌نیاز مسائل اخلاقی است و تحلیل عالمانه محتوای آیات و روایات به تعویق افتاده است و تلاش ویژه‌ای برای جمع میان ادله و رفع تعارض ظاهری آنان نیز بریده می‌شود. بنابراین ضروری است به منظور پرهیز از هرج و مرج روش‌شناختی مطالب اخلاقی و جلوگیری از تأثیرات ناهنجار اندیشه‌های غیردینی، التقاط فکری و اخبار مسلکی به امور زیر عمل کرد:

۱. متدولوژی جامع علم اخلاق اسلامی (روش استنباط و توجیه گزاره‌های اخلاقی) تدوین شود؛ به گونه‌ای که حصول علم اخلاق به اسلام منتسب باشد و برجسب اخلاق یونانی، هندوی، مسیحی، نوافلاطونی، علمی، تجربی، اخباری، التقاطی و سطحی نگر به آن الحاق نشود.
۲. در بررسی‌های نقلی، جامع‌نگری و توجه به خاستگاه آیات و احادیث رعایت شود و از هر نوع برخورد گزینشی پرهیز شود.
۳. اصول استنباط و منطق اجتهاد در حوزه تفقه ادرعی از رهگذر بازشناسی قواعد استظهار در مباحث الفاظ، ملازمات عدیه، حجج و اصول عملیه در چارچوب اصول عام استنباط و نیز اصول و قواعد مقبول شاخه‌های جدید دانش‌های زبانی مانند هرمنوتیک، زبان‌شناسی و فلسفه تحلیلی تدوین شود.
۴. پس از تعیین تکلیف نهایی با انگاره «تسامح در ادله سنن»، کاوش‌های سندشناختی دقیق بر اساس قواعد مشخص انجام گیرد؛ به گونه‌ای که

درجه ارزشمندی هریک از روایات اخلاقی از حیث رجال حدیث، مصادر اولیه و یا درجه وثوق آشکار شود و نیز نحوه تأثیر شهرت روایی و شهرت عملی در حجیت احادیث اخلاقی و تربیتی معلوم باشد. پیش‌نیاز ارائه دستگاہ منسجم، جامع، منقح، بی‌ابهام و کارآمد اخلاقی، کاوش‌هایی از این قبیل است که همگی زیرعنوان مقوله فقه‌الاخلاق قرار می‌گیرد. در این کتاب به بخشی از این دغدغه‌ها پرداخته‌ایم.

### بین اثر

این کتاب از نظر محتوا و ساختار، همتا و همزاد اثر پیشین (استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم) است. دغدغه هر دو اثر، حکم یا توصیه اخلاقی است و محور کار آن، استنباط گزاره و نظام اخلاقی؛ با این تفاوت که در کتاب نخست از میان منابع مختلف استنباط، سیره و عمل معصوم برگزیده شده بود و اینک دایره بحث به سراغ ادله لفظی یعنی قرآن و حدیث محدود شده است.

در این کتاب - به روش اصولیان در علوم فقهی - مباحث الفاظ و به صورت استقرایی - مسائل شایع و پرکاربرد که در فهم مفاد و مدلول آیات و روایات مؤثر است، کشف و بررسی شده است؛ بنابراین، دستور اصلی این کتاب، حل موارد جزئی و تفسیر گزاره‌های خاص نیست، بلکه عناصر مشترک و امور پرکاربرد که در تفسیر گزاره‌های اخلاقی دخیل بوده، بررسی شده است. بدین ترتیب این نوشتار اصالتاً یک اثر اصولی<sup>۱</sup> و در صدد

۱. علم اصول فقه را دانشی دانسته‌اند که عناصر مشترک در عملیات استنباط فقهی را بررسی می‌کند. اصول فقه‌الاخلاق نیز قواعد کلی استنباط توصیه‌های اخلاقی از منابع دین را عرضه می‌کند؛ قواعدی که به مثابه کبرای کلی - در مقام مراجعه به آیات و روایات اخلاقی - مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

بیان برخی مباحث الفاظ اصول فقه اخلاق است و به ارائه قواعدی در این حوزه می‌انجامد.

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که کشف قاعده، همواره از دل بررسی موارد خاص برمی‌آید؛ یعنی غالباً با مشاهده مصادیق متنوع، آرام آرام یک قانون کلی اصطیاد می‌شود. دانش اصول فقه نیز به همین شکل در دامان علم فقه متولد شده است؛ یعنی فقها در بررسی‌های فقهی خاص با مسائلی مواجه شدند که در ابواب مختلف کاربرد داشته و عنصر مشترک استنباط به شمار می‌رفته است. آنان این موارد را افزاز کرده و در یک دانش مستقل قرار داده‌اند و بدین ترتیب علم اصول را پدید آورده‌اند.<sup>۱</sup> ما نیز برای اینکه این حرکت را به صورت طبیعی طی کنیم و گرفتار موارد نامرآمد انتزاعی و فرضی نشویم، لازم بود نخست با نگاه درجه‌ای، در مباحث کشف راه اخلاقی از متون دینی برآییم؛ آن‌گاه در مواجهه با مشکلات واقعی این حرکت چاره‌جویی کنیم. بدین منظور مطالعه گسترده در آیات اخلاقی قرآن کریم و سخنان اخلاقی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را در دستور کار قرار دادیم و تلاش کردیم گره‌های کور یا ناهمواری‌های نظری را بیابیم و علاج کنیم؛ سپس با نگاه مجدد به آن اصول و قواعدی انتزاع کردیم. راز کثرت مثال‌های عینی و فراوانی نمونه‌های واقعی - نه فرضی - در این کتاب دقیقاً همین نکته است.

وقتی به صورت موردی بحثی را دنبال می‌کنیم، احتمال اینکه به همه زوایای آن و دقت‌های موجود منتقل نشویم، بسیار بالاست؛ اما وقتی به یک یا اکثر مصادیق یک عنوان را یکپارچه و یکجا بررسی می‌کنیم، معمولاً انواع دقت‌ها و ریزبینی‌ها به ما منتقل می‌شود؛ مثلاً اگر استعمال صیغه تفضیل یا صیغه امر را در یک آیه خاص بررسی کنیم، بررسی ما کاملاً ناظر به همان آیه

۱. ر.ک: سیدمحمدباقر صدر؛ دروس فی علم الأصول؛ ج ۲، ص ۷-۸.

است و از اظهار نظرهای انتزاعی و دور از صحنه ایمن می‌مانیم؛ اما با وجود این اگر همه صیغه‌های امر یا تفضیل را یکپارچه بررسی کنیم و مقتضیات انواع استعمالات را در نظر بگیریم، احاطه ما به موضوع بسیار بیشتر خواهد بود و از اظهار نظرهای خام موردی رها می‌گردیم. در این کتاب روش دوم که روشی اصولی است، برگزیده شده است.

این پژوهش ابتدا برای پژوهشگران اخلاق نگاشته شده است تا در استنباط احکام اخلاقی از منابع دینی و استناد توصیه‌های اخلاقی به آیات و روایات تسرع نریند و برشمند عمل کنند؛ همچنین برای واعظان، پندگویان و خطبا که با ذکر آیات در آیات بر فراز منابر، حکم اخلاقی صادر می‌کنند و برای اثبات خوبی و بدی رفتارها یا صفات، شاهد و قرینه از قرآن و حدیث می‌آورند، نوشته شده است تا در این فرایند از چارچوب فنی خارج نشوند و فتوا به غیر علم ندهند؛ همچنین برای علوم فرهیختگانی که با منابع و متون دینی آشنایی دارند نوشته شده است تا در ترسیم الگوی نهایی اخلاق و عمل اخلاقی، جامع و دقیق عمل کنند.

باید دانست قواعد عام اصول فقه خصوصاً امر و نهي و احث الفاظ پاسخگویی بسیاری از چالش‌های فهم قرآن و حدیث است. آنچه در این اثر آمده است، قواعد جدیدی نیست، بلکه تطبیق همان قواعد اصولی بر مسائل جدید است که بیشتر در علم اخلاق کاربرد دارد و احتمالاً برای عالمان اصول فقه، جز در ناحیه مسائل، تازه و بدیع نباشد.

در کشف این قواعد به تفاسیر آیات و شروح روایات اخلاقی بسیار مراجعه کرده‌ایم و از تجربه پیشینیان در فهم و تفسیر آیات و روایات اخلاقی بهره فراوان برده‌ایم. مراجعه به تفاسیر و شروح روایات اهل سنت نیز به این جهت بوده است که در مقام بررسی مسائل، احتمالات بیشتر و شقوق کامل‌تری داشته باشیم.

زبان این اثر فارسی است؛ اما از آنجا که این کتاب اثری تخصصی است و برای مخاطب خاص نوشته شده است، از ترجمه آیات، روایات و عبارات عربی در آن نوعاً پرهیز کرده‌ایم، مگر در مواردی که ترجمه عبارت، لطف ویژه‌ای می‌افزاید و ضرورت یا فایده‌ای برای مخاطب در بر دارد. نیز در بیان احادیث، سلسله اسناد و نام راویان حذف شده است؛ زیرا موضوع این اثر عمدتاً فهم دلالت قرآن و حدیث است، نه کارشناسی صدور آن؛ بنابراین همه روایات را فارغ از بررسی‌های سندی و صحت صدور در نظر گرفته‌ایم، گرچه اصرار داشته‌ایم از مصادر حدیثی غیر قابل اعتماد مانند تفسیر متسوب به امام عسکری علیه السلام، جعل الأخبار، عوالی اللئالی و مصباح الشریعة نیز استفاده نکنیم. مخاطب این اثر البته وجه دارد که برای قضاوت درباره روایات، علاوه بر کاوش‌های سندشناسی، لازم است به قراین متنی، مضمونی، تاریخی، کلامی و... نیز نظر شود.

۱. نوع فقهای متأخر هر حدیثی را که همه راویان موجود در سلسله سند آن، شیعه امامی و توثیق شده باشند، «صحیح» می‌شمارند؛ اما برخلاف نظر آنان ائمه علم حدیث مانند شیخ کلینی علیه السلام، شیخ صدوق علیه السلام و شیخ طوسی علیه السلام معتقد بودند ملاک صحت حدیث، اطمینانی است که از جمع شواهد و تراکم قراین، نسبت به آن حدیث حاصل می‌شود؛ بنابراین گرچه بررسی‌های سندی به عنوان یکی از این قراین اطمینان‌بخش اهمیت دارد، اما اگر سلسله سند یک روایت این‌گونه نباشد، الزاماً نمی‌توان آن حدیث را غیر صحیح شمسیت<sup>۱</sup> زد. زیرا ممکن است با جمع‌آوری برخی قراین دیگر صحت آن ثابت شود. نیز اگر همه راویان موجود در سلسله سند، شیعه امامی و توثیق شده باشند، باز نمی‌توان آن حدیث را صحیح دانست؛ زیرا ممکن است قراین مخالفی وجود داشته باشد که اطمینان ما به صحت آن روایت را مخدوش گرداند. بدین جهت می‌بینیم در کتب اربعه، مهم‌ترین تراث روایی شیعه، احادیثی از راویان غیر امامی یا برخی احادیث مرسل و مرفوع نیز صحیح دانسته شده است. (برای تفصیل این بحث، رک: محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی؛ الوافی؛ ج ۱، ص ۲۲-۲۶).

بدین ترتیب با کاوش‌های دقیق و جمع‌آوری قراین عرفی و عقلایی و سنجش متن با قرآن و سنت قطعی و یافتن احادیث مؤید و هم‌مضمون، گونه‌ای تعاضد مضمونی پدید می‌آید که ←



در ضمن به ملاحظه حوصله مخاطب و پرهیز از تطویل، برخی مستندات مهم را به پانویست منتقل ساخته‌ایم. بی‌شک درج مطلب در پانویست به معنای بی‌اهمیتی یا کم‌ارزشی آن نیست.

مخاطب این اثر حتی اگر مؤلف را در رسیدن به هدف خود کامیاب نبیند، از طرح جدی پرسش، دریافت درجه اهمیت آن و توجه به زوایای پرشمار مسئله در نمونه‌های عینی فراوان بهره خواهد داشت و مسیر حرکت آینده را سوارتر خواهد دید. مؤلف نیز اگر توانسته باشد با این قلم و با ارائه این مشق اول، گمانی ایجاد کند، اذهان دانشورانی را به این موضوع جلب کند، تلاش‌های بیشتری پدید آورد و همکارانی برای خود در این کاوش خطیر بیابد، خود را برای مؤلف می‌پندارد و مشعوف و مبتهج خواهد شد اگر این دوستان کاستی‌ها و کژراهه‌ها را از سر سخاوت و شفقت به او هدیه کنند و او را رهین منت نقد سازند.

نگارنده بر خود فرض می‌داند به رسم ادب از همه استادانی که در پدیدآوردن این نوشتار نقشی پیدا یا پنهنجا داشته‌اند، به‌ویژه فاضل گرانقدر

→

آسیب‌سندی را جبران می‌کند و حدیث را از طرد کامل می‌راند به تعبیر دیگر، محتوای حدیث، گرچه سند استوار و معتبری ندارد، با تأیید قراین و شواهد، شناسایی می‌شود. در پرتو این روش می‌توان به بسیاری از احادیث اخلاقی به شرط همخوان بودن با قرآن عمل کرد و تنها احادیث بدون شاهد را کنار نهاد (رک: عبدالهادی مسعودی؛ آسیب‌شناخت حدیث؛ ص ۱۵۵). ملاصالح مازندرانی در بررسی روایتی گفته است: «ضعف سند هذه الرواية لاينافي الجزم بصحة مضمونها لانه مؤيد بالعقل والنقل» (محمدصالح بن احمد مازندرانی؛ شرح الکافی؛ ج ۲، ص ۱۲۳) و علامه شعرانی ذیل این سخن آورده است: «وإنما يطلب السند في المسائل الفرعية المخالفة للأصول والقواعد التي اختلف فيها أقوال العلماء ولا حاجة إلى الأستناد في الأصول ولا في الفروع الموافقة للقواعد ولا في ما قام عليه الإجماع... إن الضعف بحسب الأستناد لاينافي صحة المضامين» (همان).

حجت الاسلام والمسلمین رضا اسلامی که نظارت آن را بر عهده داشتند و نیز اندیشوران والاقدر حجج اسلام محمد عندلیب همدانی، ابوالقاسم علی دوست، عبدالهادی مسعودی، امیر غنوی، سیف الله صرامی، علی امینی نژاد، محمدعلی میرزایی، محمد فتحعلی خانی، حنیف نصراللهی و دوستان دیگری که با مطالعه متن و ارائه ملاحظات ارزنده خود یاری فراوان رساندند، سپاسگزاری و توفیق همواره آنان را از درگاه خدای متان درخواست کند.

﴿بِأَنَّكَ أَدْخَلْتَنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرَجْتَنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾

محمد عالم زاده نوری